

تهاجم یا تبادل فرهنگی

دکتر حسین اسلامی*

چکیده

نگاه به دو متغیر «تهاجم فرهنگی» و «تبادل فرهنگی» و تبیین نسبت‌های منطقی و اصولی بین آن دو همواره مدخل ورود به سؤالات بسیاری بوده است. یکی از سؤالات آن است که با توجه به اینکه در شرایط کنونی تهاجم فرهنگی واقعیت انکارناپذیری در عرصه روابط بین ملت‌ها و دولت‌هاست چگونه می‌توان به گفت‌وگو و تبادل فرهنگ‌ها جامعیت بخشید و بین دو متغیر فوق که نسبت معکوسی دارند، ناهم‌واری‌های موجود را مرتفع و زمینه‌های رفع بحران تفاهم میان فرهنگ‌ها را فراهم کرد؟ فرضیه مقاله آن است که تبادل فرهنگی زبان خاص خود را می‌طلبد که بتواند با تفاهم فرهنگی سوءتفاهم ارتباطات بشری و ملت‌ها را مرتفع سازد. زبان تمدن‌ها در سایه تقابل و تهاجم فرهنگ‌ها میسر نیست و فرهنگ‌ها برای ورود به عرصه گفت‌وگو بایستی به کارایی مثبت فرهنگ تمسک جویند. فرض این است که تهاجم فرهنگی بسیاری از مبادلات فرهنگی بین ملت‌ها را دستخوش آسیب و زیان کرده و سدی در مقابل مفاهیم فرهنگ‌ها نهاده است که تأیید این فرضیه در دو قسمت عرضه خواهد شد:

الف) تبیین جایگاه تهاجم فرهنگی در تاریخ ملت‌ها و بیان برجسته‌ترین اصول، خصوصیات و سابقه تاریخی تهاجم فرهنگی.

ب) بحث نظری در باب تحقق بستر مناسب برای تبادل فرهنگی و قرائت مناسب از کارایی بیرونی فرهنگ‌ها به منظور حذف زمینه‌های تهاجم و تقابل فرهنگی.

آشنایی با مفهوم فرهنگ، تمدن، و تهاجم فرهنگی مقدمه‌ای بر مباحث اصلی این مقاله است.

کلید واژه‌ها

تمدن، فرهنگ، تهاجم فرهنگی، تبادل فرهنگی، تفاهم فرهنگی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

فرهنگ

دربارۀ فرهنگ تعاریف گوناگونی عرضه شده است که هر یک از زاویه‌ای خاص به این مقوله توجه کرده‌اند (روح‌الامین، 1368: 12). اما آنچه در این تعاریف ملاکی برای شناسایی فرهنگ و کارکرد آن در رفتار بین ملت‌ها محسوب می‌شود این است که:

- فرهنگ کلیت پیوسته‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات، آداب و سنن، احساسات و گرایش‌ها، افکار، اندیشه‌ها، بینش‌ها و عناصر سازنده و شکل‌دهنده شخصیت و اخلاق و اعمال هر قوم و ملتی است.

- فرهنگ اغلب دربرگیرنده معنای عام و بعضاً حاوی معنای خاصی است. در وجه خاص فرهنگ به کلیۀ امور معنوی، روحی، و اخلاقی اختصاص دارد و در وجه عام کلیۀ امور مادی را، در حالی که واجد شأنی از شئون معنوی و روحی است، شامل می‌شود.

- جامعه‌شناسان فرهنگ را اساس تمدن هر جامعه می‌دانند و فرهنگ‌شناسان در تعریف جامعه، آن را گروهی متشکل می‌دانند که فرهنگ مشترکی دارند. از جمله ویژگی‌های فرهنگی با توجه به حدود 300 تعریف از آن (معین، 1360) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) فرهنگ هویت‌دهنده است.

حب ذات و صیانت نفس در جامعه تنها جنبۀ فردی ندارد، بلکه دارای تجلی اجتماعی و جلوه‌های ناشی از روح جمعی است.

ب) فرهنگ توسعه‌خواه است.

فرهنگ در جوهر و سرشت خویش خواهان تبادل، ترکیب، ارتباط، و انتقال است.

امتزاج، رشد، و تعالی از خصوصیات فرهنگ است.

ج) فرهنگ خلاق و پویاست.

فرهنگ‌ها مجموعه‌ای از محفوظات و معلومات علمی نیستند بلکه پدیده‌های

تهاجم یا تبادل فرهنگی v 13

اجتماعی ریشه‌دار و عمیقی محسوب می‌شوند، که قدرت انطباق با شرایط و مقتضیات خاص اجتماعی را در بستر زمان و مکان خاص دارند.

با توجه به خصوصیات فرهنگ‌ها می‌توان اذعان داشت که تمامی آن‌ها همواره با روندی کند و تدریجی تغییر می‌کنند. روان‌شناسی اجتماعی تغییر فرهنگ را به عواملی خاص نسبت می‌دهد که از رفتارهای جمعی و ویژگی‌های شخصیتی افراد نشأت می‌گیرد. این انگیزه‌ها زیرساخت‌های اصلی تقابل، تعامل، و تهاجم فرهنگی را شکل می‌دهند. بعضی از این عوامل عبارتند از:

1. نوگرایی و نوآوری

انگیزه‌های فردی در جوامع از جمله تنوع‌طلبی، ابداع، کنجکاوی، و تقلید از دیگران از خصوصیات نوگرایی فرهنگی به شمار می‌آیند.

2. پذیرش اجتماعی

ورود عنصری جدید در فرهنگی خاص ناشی از نوگرایی است و پذیرش مردم نسبت به آن از مظاهر کارکرد تغییر فرهنگی است.

3. طرد انتخابی

هنگامی که یک خصیصه فرهنگی نو به هر دلیل وارد فرهنگ دیگر می‌شود، پذیرش و مقبولیت عامه موجب می‌شود بعضی خصوصیات فرهنگ جامعه به عنوان عناصر قدیمی، نامتناسب، و متروک فراموش شوند. البته امر آسانی نیست و در بسیاری موارد موجب ستیز و درگیری در جامعه می‌شود.

4. تلفیق و انطباق

به دنبال ورود عناصر گوناگون از فرهنگی دیگر به جامعه، در صورت پذیرش اجتماعی آن، فرایند تلفیق و تأیید عنصر تازه فرهنگی باید طی مراحل طولانی، حتی در طول حیات یک نسل، صورت پذیرد. تلفیق و انطباق عناصر وارداتی فرهنگ بیگانه در یک فرهنگ - که در چارچوب خصیصه عام تغییر فرهنگی قرار دارد - وضعیتی است

که همواره زیرساخت پدیده تهاجم فرهنگی را تشکیل می‌دهد.

نتیجه اینکه فرهنگ به لحاظ وجود خصوصیات درونی خود، باعث بروز تغییرات فرهنگی در جوامع انسانی می‌شود. این وجه تغییرپذیری فرهنگ‌ها، که متأثر از خصیصه پویایی و خلاقیت فرهنگ است، سبب کارکردهای گوناگونی می‌شود که تبادل، تعامل، تهاجم، و تولید فرهنگی از آن جمله است. تهاجم فرهنگی وجهی خاص از کارکرد ویژه یک فرهنگ در برابر فرهنگ‌های دیگر است. وجهی که نخست علیه ماهیت فرهنگ دیگر برای محو ارزش‌های فرهنگی آن جامعه و جایگزین کردن تحمیلی ارزش‌ها و نمودهای فرهنگی خود عمل می‌کند و دوم فرایند دوسویه سازنده تعامل را به کشمکش مخرب بدل می‌سازد.

تهاجم فرهنگی

کارکرد فرهنگ غالب را در جهت تحمیل ارزش‌های خود با استفاده از قدرت و غلبه سیاسی یا اقتصادی تهاجم فرهنگی گویند. این حالت در شرایط ضعف یک فرهنگ و قدرت دیگری روی می‌دهد. فرهنگ مهاجم اصولاً در موقعیت برتر فرهنگی قادر به تهاجم مؤثر است و از سوی دیگر فرهنگ مورد هجوم به علت ضعف درونی و اهماه از تهاجم ضربه‌پذیر خواهد بود. فرهنگی که از پویایی، رشد و خلاقیت دور افتاده باشد و معرفت فرهنگی نسبت به زمان خود و همچنین قابلیت و ماهیت فرهنگ‌های دیگر نداشته باشد، دارای ذهنیتی آسیب‌پذیر خواهد بود. فرهنگ مهاجم به فرهنگ‌های دیگر فرصت گزینش، بررسی، و تحلیل محورهای مثبت فرهنگی را نمی‌دهد. بلکه با بهره‌گیری از قدرت خود، ارزش‌ها و معیارهای دلخواهش را تحمیل می‌کند. فرهنگ مهاجم با حذف تدریجی ارزش‌های ملی - مذهبی و تحریف آنان در اذهان عمومی، قدرت مانور فرهنگ مورد هجوم را کم می‌کند، سپس به تغییر اساسی مسیر فعالیت مراکز فرهنگی و آموزشی می‌پردازد. بنابراین، تهاجم فرهنگی وجهی

تهاجم یا تبادل فرهنگی v 15

خاص از کارکرد ویژه یک فرهنگ در مقابل دیگری است که فرایند متقابل و سازنده تعامل را به کشمکش مخرب تبدیل می‌کند. آلون تافلر معتقد است آنان که برای مسلط شدن بر آینده جنگیده‌اند از خشونت، ثروت، و دانایی استفاده کرده‌اند. وجود خصوصیات مربوط به تهاجم فرهنگی با مراجعه به سوءپیشینه فرهنگ مهاجم در عرصه تاریخ، ماهیت فرهنگی تهاجم و اهداف فرهنگی طرفداران آن این واقعیت را مشخص می‌سازد که در طول تاریخ همواره انحراف خط انطباق و تلفیق منطقی و ضروری فرهنگ‌های گوناگون به سمت تهاجم فرهنگی، عملاً فرایند نزدیک‌سازی تمدن‌ها را به رویارویی و درگیری تبدیل کرده است.

ویژگی‌های مشترک فرهنگ و تمدن

مقوله فرهنگ و تمدن به مثابه میراث مشترک بشریت، دربرگیرنده ابعاد اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی ملت‌های گوناگون است. این دو مقوله متضمن ارزش‌ها، هنجارها، روش‌های فکری و اصول پذیرفته‌شده و نهادمندی هستند که نسل‌های متوالی هر جامعه‌ای بیشترین احترام و اهمیت را برای آن‌ها قائلند.

امروزه مفهوم تمدن حاوی مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی انتقال‌دانی، اعم از مادی یا معنوی است که می‌تواند در یک یا چند جامعه همزمان وجود داشته باشد. تمدن شامل شاخص‌هایی برای ابعاد گوناگون مهارت‌ها و شناخت‌هاست که در فرایند تکاملی اجتماعی تاریخی انسان از راه اکتسابی، یعنی تعلیم و تربیت، حاصل می‌شود.

امروزه فرایندهای «اجتماعی شدن» و «فرهنگ‌پذیری»، مبین ارتباط درخور توجه فرهنگ و تمدن در عرصه روابط انسان‌ها و ملت‌های گوناگون است و گفت‌وگوی تمدن‌ها به معنای تبادلات مدنی و فرهنگی از قدمت بسیاری برخوردار است. جوامع گوناگون همواره تحت‌تأثیر فرایندهای فرهنگی و تمدنی قرار داشته و دارند.

فرهنگ و تمدن نیز به نوبه خود تحت تأثیر کارکردهای اجتماعی و تاریخی ملت‌ها در طول تاریخ بوده و خواهند بود. بنابراین، هرگونه تغییر و تحرک اجتماعی که متضمن تبادل و تعامل فرهنگ‌هاست در فرایند فرهنگی و تمدنی تحقق می‌یابد. از این‌رو، فرهنگ و تمدن دو پدیده مرتبط و تنیده در یکدیگرند که در اثر تحولات جدید به سبب اختلاف در ضریب تحریک بین آن‌ها به نوعی نابرابری نسبی در پویایی و پیدایش فاصله از یکدیگر دچار شده‌اند. بنابراین، برای حل مسائل ناشی از تمدن جهانی راهی جز بهره‌گیری از ارزش‌های سازنده فرهنگ‌های متفاوت نیست. امروزه وقتی مسئله گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح می‌شود ضرورتاً خودشناسی و خودسازی فرهنگی و اجتماعی نخستین گام در مسیر تحقق آن است. شاید بهتر باشد که گفت‌وگوی تمدن‌ها را گفت‌وگوی فرهنگ‌ها نامید. براین اساس، بسیاری تمدن‌ها را فرهنگی می‌دانند که در طول زمان تداوم، گسترش، و نوآوری داشته تا به حیات معقول اخلاقی جدیدی ارتقا یابد. فرهنگ و تمدن از جمله مفاهیمی هستند که گستره تاریخی آن‌ها به درازی تفکر اجتماعی انسان‌ها بوده و همانند درخت پرباری هستند که ریشه در نخستین نهاد جامعه و زندگی بشریت داشته‌اند و در طول زندگی انسان‌ها ادامه خواهند داشت.

ابزار گفت‌وگوی تمدن‌ها

تمدن‌ها در مواجهه با یکدیگر دچار التهاب‌ها و نارسایی‌های متعدد هستند که رفع آن تنها با برقراری تفاهم و فهم بهتر آرا و نظرات یکدیگر میسر است. در تحلیل جامعه‌شناختی زبان در فرایند گفت‌وگوی تمدن‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. در واقع ماهیت گفت‌وگو این است که حقیقت مورد شناخت دو طرف با گفت‌وگوی دوجانبه روشن شود. در ارتباط گفتاری نبود زبان مشترک که نقطه اتکا و تقویت تبادل و تعامل فرهنگی باشد سوءتفاهماتی را به دنبال دارد. سوءتفاهم عامل مخرب ارتباطات

تهاجم یا تبادل فرهنگی v 17

بشری است. سوء تفاهم میان افرادی که دارای نژاد، فرهنگ، دین، زبان و حتی گویش مشترکند نیز روی می‌دهد. اما در مواردی که دو انسان از دو نژاد، فرهنگ، دین، و زبان متفاوت در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، امکان و احتمال بروز آن به مراتب بیشتر می‌شود. چنان که گفته می‌شود در ارتباطات بین فرهنگی اغلب موانع نامرئی، مانع از برقراری ارتباط منطقی شده در نهایت روابط تیره و یا به کلی قطع می‌شود، بدون آنکه در ظاهر دلیلی داشته باشد. تاکنون این موانع نامرئی باعث فروپاشی روابط میان انسان‌ها و قطع تعامل فرهنگ‌های گوناگون شده است. در بستر گفت‌وگوی تمدن‌ها مهم‌ترین ابزاری که بشریت در اختیار دارد «زبان» است. مسلم آنکه گفت‌وگوی تمدن‌ها هم شرایط خاصی را می‌طلبد و هم به زبان مشترک فهمیدنی و مقبولی در عرصه فرهنگ‌ها نیاز دارد. دیدگاه‌های پارسونز و آلتوسر نیز صریحاً به مقوله‌ای به نام «تداوم اندیشه‌های بشری» و صور گوناگون آن در تمدن‌های اصیل بشری اشاره دارد که در واقع به معنای پذیرفتن نوعی «مفاهیم مشترک» بین تمدن‌ها در جهت فراهم آوردن زمینه گفت‌وگوی متقابل است.

بدیهی است که تهاجم فرهنگی نمی‌تواند زبان مقبول و مورد تأیید در عرصه گفت‌وگو باشد، چرا که دربرگیرنده بسیاری خصوصیات است که به رویارویی تمدن‌ها منجر می‌شود. از این رو، پیش‌فرض گفت‌وگوی تمدن‌ها تفاهم و تبادل و تساهل فرهنگ‌هاست. تفاهم فرهنگ‌ها رافع بحران روابط و تهاجم فرهنگی است. در چارچوب تفاهم و تبادل فرهنگ‌ها به مثابه زبان مشترک، فرهنگ‌هایی که تربیت شده‌تر، عقلانی‌تر، تحول‌طلب‌تر، آرمان‌خواه‌تر، متمدن‌تر باشند، شایسته‌تر می‌توانند در گفت‌وگو شرکت کنند. همان‌گونه که امروزه میان دانشمندان، کاشفان، مدیران صنایع، مهندسان، و صاحبان مشاغل تولیدی صنعتی و فناوری در سراسر جهان گفت‌وگوی سازنده‌ای جریان دارد که به گسترش فرهنگ عام جهانی منجر می‌شود.

رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین اصطلاح تبادل و تهاجم فرهنگی بر

نکاتی تأکید دارند که شایسته است به آن اشاره شود:

«در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است ولی در تهاجم فرهنگی هدف ریشه‌کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. در تبادل فرهنگی ملت‌گیرنده فرهنگ، چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد. فرض کنید ملت ایران وقتی می‌بیند اروپایی‌ها ملتی سخت‌کوش و دارای روح خطر کردن هستند، اگر این صفات را از آن‌ها یاد بگیرد خیلی خوب است. یا اینکه ملت ما وقتی می‌رود به اقصی نقاط شرق آسیا و می‌بیند که مردم آنجا مردمی هستند دارای وجدان کار، علاقه‌مند، مشتاق به کار، وقت‌شناس، دارای نظم و انضباط، دارای محبت بین خود و دارای حسن ادب و احترام، این خصوصیات را از آن‌ها بگیرد خیلی خوب است.

در تبادل فرهنگی، ملت فراگیرنده نقاط درست و چیزهای که فرهنگ ما را کامل می‌کند، تصمیم می‌گیرد، مثل یک انسانی که ضعیف است، دنبال غذا یا دوا مناسب بگردد تا آن را مصرف کند و سالم بشود. در تهاجم فرهنگی چیزهایی را که به ملت مورد تهاجم می‌دهند خوب نیست و بد است. مثلاً وقتی اروپایی‌ها تهاجم فرهنگی را به کشور ما شروع کردند روحیه وقت‌شناسی، شجاعت، خطر کردن در مسائل، تجسس و کنجکاو علمی را برای ما نیاوردند. نخواستند تا با تبلیغات و پیگیری، ملت ایران یک ملت دارای وجدان کار و وجدان علمی بشود. آن‌ها فقط بی‌بندوباری جنسی را وارد کشور ما کردند» (رهبر معظم انقلاب، 71/5/21).

پیشینه تهاجم فرهنگی و رویارویی تمدن‌ها

تجارب جهانی و بین‌المللی نشان می‌دهد رابطه یک ابرفرهنگ با فرهنگ‌های دیگر بر محور قدرت است نه کنش و تحقق فرهنگی. اکراه و اجبار موجود در روابط فرهنگی عملاً روابط را از محتوای خود تهی کرده است. اصولاً در تاریخ گذشته و حال

تهاجم یا تبادل فرهنگی v 19

ملت‌ها مشاهده می‌شود که در مقابله فرهنگ‌ها، هر فرهنگی که از چیرگی و ابزارهای کاراتری برخوردار باشد مایل است ارزش‌های خود را در مصاف با دیگران به کرسی بنشاند (کاظمی، 1387: 11).

بسیاری از صاحب‌نظران عدم درک عمیق فرهنگ‌ها، ساختارها، روندها، نتایج فرهنگی و تمدنی را بزرگ‌ترین خطر دنیای کنونی و آینده می‌دانند که انگیزه جنگ‌های تمدنی بسیار است. سابقه سوءتهاجم فرهنگی در طول تاریخ همواره زمینه‌رویارویی تمدن‌ها را فراهم کرده است و مصادیق و شواهد تاریخی بر این امر دلالت دارد. از این‌رو، برای تبیین نقش مخربتهاجم فرهنگی طرح بحثی تاریخی ضروری است. سوءاستفاده از فکر و فرهنگ در طول تاریخ بشر سابقه طولانی دارد و قدرت‌های ضدمردمی از هر وسیله‌ای برای تسلط قدرت خویش بر جامعه بشری بهره‌مند شده‌اند و همواره در جوار زور و زر توانسته‌اند فکر و فرهنگ را وسیله‌ای برای تحکیم و توسعه سلطه خویش قرار دهند. در صدر اسلام و در دوران خلافت حضرت علی (ع)، معاویه نه تنها نظامیان را از منطقه شام به منطقه تحت حاکمیت امام گسیل می‌داشت و از کیسه‌های زر برایتهاجم اقتصادی علیه امام استفاده می‌کرد، بلکه از افراد اهل فکر و اندیشه نیز سود می‌برد تا روایت‌ها و آیات قرآنی را علیه امام تفسیر و تأویل کنند، به جعل حدیث و روایت پردازند و با بهره‌گیری از محراب و منبر و موعظه افکار عمومی را به گونه‌ای شکل دهند که از شخصیت علی (ع) و اصول و ارزش‌های معنوی مورد حمایت او تصویری وارونه و نادرست بسازند. سعی بر این بود که حکومت علی (ع) پیش از آنکه در حیطه سیاسی، اقتصادی، و نظامی شکست بخورد از حیث فرهنگی آسیب ببیند و سقوط کند. سایر ائمه معصوم چون امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نیز بارها باتهاجمات نظامی یاتهاجمات فکری، عقیدتی، فقهی، و فرهنگی مورد حمله قرار گرفتند. بنابراین،تهاجم فرهنگی موضوع تازه‌ای نیست و در گذشته وجود داشته و هنوز هم ادامه دارد و هرچه از گذشته به زمان حال نزدیک می‌شویم ابزارها و

فرهنگی آن کارایی بیشتر و وسیع‌تری پیدا می‌کنند. در قرون جدید استعمار، گروه‌های تبشیری و میسیونری رسماً به کشورهای آفریقایی و آسیایی رهسپار می‌شدند. در بسیاری از کتب دینی، سیاسی، و اجتماعی منتشر شده در سال‌های پیش از انقلاب موضوع تهاجم فرهنگی غرب علیه موجودیت و هویت دینی جوامع اسلامی، با شدت تمام، به عنوان یکی از معضلات و حتی مهم‌ترین معضل دنیای اسلام مطرح شده است. «مسئله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کردیم، یک واقعیت روشنی است که با انکار آن نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی وجود دارد. اگر ما آن را انکار کردیم به مصداق این فرموده امیرالمؤمنین صدایی را می‌شنویم که 'مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ'، تو اگر در سنگر به خواب بروی معنایش این نیست که دشمن هم در سنگر مقابل به خواب رفته است و لذا تو که به خواب رفته‌ای سعی کن خودت را بیدار کنی» (رهبر معظم انقلاب، 70/9/20).

جوهر لعل‌نهر و در کتاب نگاهی به تاریخ جهان (1366: 58) هنگام شرح جنگ تریاک و حمله انگلیسی‌ها به چین می‌گوید:

«هیئت‌های مذهبی در چین نقش مهمی‌بازی کردند و در حقیقت پیشاهنگان و پیشقدمان امپریالیسم و استعمار بودند. جمعیت‌های تبشیری همواره منافع اساسی بریتانیا و مصالح آمریکا را حفظ نمودند. اما در قرون جدید که نقش روحانیون و مبلغان دینی در اروپا ضعیف شده، بخش عمده‌ای از رسالت تهاجمی آن‌ها بر عهده روشنفکران قرار گرفته است. ظهور عصر جدید و مشخصات ویژه دوران گسترش وسایل ارتباط جمعی و نیز غلبه روحیه شبه‌ماتریالیستی سرمایه‌داری جدید بر روحیه مذهبی و دینی سابق، موجبات جایگزینی تدریجی روشنفکران و تحصیل‌کرده‌ها و تضعیف روحانیون کلیساها را در عرصه تهاجمات فرهنگی فراهم آورد و به این ترتیب سرفصل جدیدی از بحث پیشینه تهاجمات فرهنگی در تاریخ جدید شروع شد. واقعیت‌های عینی نشان می‌دهد به همان میزان که شیوه‌ها و ابزارهای حمله نظامی و

تهاجم یا تبادل فرهنگی v 21

هجوم سیاسی متنوع‌تر، مدرن‌تر و پیچیده‌تر شده است شیوه‌ها و ابزارهای تهاجمات فرهنگی نیز پیچیده‌تر و متنوع‌تر شده است و فرایند تهاجم فرهنگی با پیچیدگی و شرایط کاملاً حساس‌تری پیگیری می‌شود. هنوز تهاجم نظامی و فرهنگی اسرائیل در منطقه خاورمیانه ادامه دارد و هر روز بدتر و گسترده‌تر می‌شود. حضور اسرائیل در سرزمین فلسطین نتیجه تسلط نظامی و سیاسی انگلیس، فرانسه و آمریکا بر منطقه لبنان، فلسطین، سوریه، عراق، مصر و اردن در سال‌های پس از جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم است و امروزه نیز آنچه در سیاست‌های متخذه از سوی دولتمردان غربی شاهدیم استمرار میل آن‌ها به سوی کنترل فرهنگ بین‌المللی است. نگاهی به فرایندهای پیشین روابط فرهنگی کشورهای جهان و تغییر ماهیت استراتژیک تهاجم فرهنگی در دوره‌های گوناگون نشان می‌دهد در هیچ برهه‌ای از تاریخ زمینه مطلوب و مساعد برای نزدیکی فرهنگ‌ها در یک بستر مناسب تبادل و تفاهم فرهنگی وجود نداشته است» (توین‌بی، 1365: 77).

این امر به لحاظ مکانیسم حیاتی فرهنگ در مسیر سلطه و تفوق‌طلبی دولت‌های قوی و مهاجم در برابر جوامع آسیب‌پذیر و ناتوان رخ داده است و همواره آثار و نتایج این ارتباط بین فرهنگی، رویارویی فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست. در این شرایط و وضعیت تاریخی اندیشمندان و فرهنگ‌شناسان نظریه‌هایی در خصوص امکان تحقق تفاهم و تبادل فرهنگ‌ها و استمرار حیات فرهنگ‌ها و تمدن‌های جهانی عرضه داشته‌اند.

اسوالد اشپینگلر، توین‌بی، و ویل دورانت از نظریه‌پردازانی هستند که تبعیت از قانون کلی تولد، رشد و مرگ را برای فرهنگ قائل شده‌اند. توین‌بی با ملاحظه تاریخ برخورد فرهنگ‌ها، که متأثر از هجوم‌های فرهنگی دائمی و مداوم در طول تاریخ است، می‌گوید:

«تاریخ براساس دو حالت تهاجم و تدافع حرکت می‌کند و این تهاجم و تدافع حالتی جبری و متوالی دارد و موجب می‌شود که نوعی فرهنگ به وجود آید، رشد کند،

ضعیف شود، و در برابر تهاجم فرهنگی جامعه و یا تمدن دیگری نابود شود» (همان، 1366: 10). نگاهی به تاریخ گذشته روابط فرهنگی ملت‌ها و تمدن‌ها نشان می‌دهد که نظریه توین بی بخشی از واقعیات تاریخی مستند است، اما سرنوشت محتوم تمدن‌ها چنین نخواهد بود (کزازی، 1371: 67).

ویل دورانت نیز در مقدمه تاریخ تمدن می‌نویسد:

«در جای جای تاریخ به آثار تمدن‌های زوال یافته برمی‌خوریم و همه این‌ها گویی پیامشان این است که عاقبت همه چیز نابودی است» (توین بی، 1366: 259). این دیدگاه نیز در زمینه زوال تمدن‌ها و فرهنگ‌ها مطلق‌انگاری دارد.

با نگاهی به تاریخ، به رغم تهاجمات گسترده میان فرهنگ‌ها، این واقعیت مشهود است که در درون فرهنگ‌ها این امکان وجود دارد که برداشت‌هایی از فرهنگ‌های دیگر مشاهده شود. این وضعیت نتیجه ویژگی‌هایی چون تفاهم، تبادل، و تهاجم فرهنگ‌هاست. اصل پذیرش عناصر فرهنگی و اصل گزینش یا گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز مؤید جذب فرهنگ‌ها در یکدیگر براساس تعامل، تبادل، تفاهم و یا حتی تهاجم است. هیچ فرهنگی منزوی و مجزا از دنیا نیست، هر فرهنگی تحت تأثیر سایر فرهنگ‌ها است و خود نیز بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. از آنجا که فرهنگ‌ها مصون از تغییر نیستند، ضمن رد کامل نابودسازی بی‌رحمانه و بی‌ملاحظه فرهنگ‌ها بر اثر اعمال نفوذ خارجی ابرقدرت‌ها، باید اختلاط فرهنگی را، که جهانی شدن آن را تسهیل می‌کند، پذیرفت (Badie B, 2004).

نتایج بارز این نگرش این است که:

- فرهنگ به مقتضای ذات خود «متغیر» و «متحول» است و فرهنگی که در جزم‌گرایی باقی بماند و از توانایی‌های بالقوه خود بهره‌نگیرد، در برابر قدرت و تهاجم فرهنگ‌های دیگر ناتوان و گرفتار خواهد شد و هر فرهنگ برای رشد و بالندگی باید شرایط و امکان تعامل را برای خود فراهم کند.

تهاجم یا تبادل فرهنگی v 23

- تعامل فرهنگی عاملی در رشد، شکوفایی و غنی شدن فرهنگ‌هاست اما تهاجم فرهنگی، ارزش‌ها و ملاک‌های مذهبی و ملی فرهنگ‌های مورد هجوم را تضعیف می‌کند و فرهنگی با ارزش‌هایی مغایر و متضاد با گذشته را جایگزین می‌کند.

- با توجه به پیشینه تاریخی و موج گسترده تهاجم فرهنگی در مبادلات نابرابر فرهنگ‌ها این واقعیت کاملاً مشهود است که تهاجم فرهنگی پیش‌فرض ورود به عرصه رویارویی تمدن‌هاست و لازمه تحقق گفت‌وگوی تمدن‌ها، از بین بردن شرایط و امکانات نامناسب برای رشد و توسعه و امکان نگرش تهاجمی در بین ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون است.

- پیشینه تاریخی و مبادلات نابرابر فرهنگ‌ها مبین این واقعیت است که پیش‌فرض ورود به عرصه رویارویی تمدن‌ها تهاجم فرهنگی است. از این‌رو، بستر مناسب برای گفت‌وگو و تعامل فرهنگ‌ها قطعاً به دنبال محورگونه زمینه رشد تهاجم و تعامل نابرابر میان فرهنگ‌ها امکان‌پذیر است.

شاخص‌های تهاجم فرهنگی امکان هرگونه گفت‌وگو و تساهل فرهنگی را از بین خواهد برد. بعضی از این شاخص‌ها عبارتند از:

- تهاجم فرهنگی مبتنی بر تبعیض و نابرابری بین فرهنگ مهاجم و فرهنگ مورد هجوم است.

- تهاجم فرهنگی خواهان سلطه و وابستگی است.

- تهاجم فرهنگی مبتنی بر نبود تفاهم مشترک بین فرهنگ‌ها و ارائه تصاویر مغشوش و معیوب از نحوه ارتباط بین فرهنگ‌هاست.

- تهاجم فرهنگی مبتنی بر بی‌اعتمادی و متضمن خشونت و تهدید است.

- تهاجم فرهنگی همواره با پیروزی یک طرف و شکست طرف مقابل همراه است و

از دیدگاه برداشت تهاجمی استراتژی کلان آن، جنگ بی‌پایان و همیشگی است.

- فرهنگ مهاجم همواره خواهان تهی شدن فرهنگ مورد هجوم از ماهیت تمدنی و

اخلاقی خویش است.

- تهاجم فرهنگی از جنگاوران و خشونت‌ورزان سرآمدان، خواهان مبارزه دائمی علیه دیگر فرهنگ‌ها هستند.

مراحل تهاجم فرهنگی

در تهاجم فرهنگی سه مرحله تمایز وجود دارد:

الف) الغای فرهنگ خودی

هدف از این مرحله قطع رابطه فرهنگی مردم با گذشته خویش است. این مرحله با ظرافت و دقت طراحی و اجرا می‌شود. فرق اساسی آن با تهاجم نظامی مشخص نبودن چهره مهاجم است. افرادی که قبلاً تعلیم دیده‌اند، با القای شبهات و تردی‌ها، مردم را نسبت به میراث علمی و فرهنگی خویش بی‌اعتنا و دلسرد می‌کنند. برای مثال ملت ایران در گذشته مفاخری در دانش طب داشت که از آن جمله می‌توان به ابوعلی سینا اشاره کرد. آثار ارزشمند وی چون قانون ده‌ها بار در اروپا تجدید چاپ، و سال‌ها در مراکز علمی آن‌ها تدریس می‌شده است، اما مهاجمان فرهنگی در اذهان مردم طب قدیم را با خرافه هم‌ارز کرده بودند. دشمن برای رسیدن به اهدافش در این مرحله اقداماتی از قبیل دین‌زدایی، تغییر خط و زبان، و تحقیر فرهنگی را مورد توجه قرار داده است.

ب) القای فرهنگ بیگانه

در جامعه‌ای که ارزش‌های فرهنگی آن فراموش شوند، مفاخر فرهنگی در مقام الگو و اسوه مورد توجه قرار نگیرند، باورها و ارزش‌های دینی سست شود، ویژگی‌های استقلال فرهنگی مانند دین، زبان، خط از بین بروند یا تحقیر شوند، و گروه‌های مرجع و رهبران دینی منزوی شوند، زمینه برای پذیرش ارزش‌ها و الگوهای دیگران آماده می‌شود. در چنین جامعه‌ای به راحتی می‌توان فرهنگ بیگانه را ترویج کرد. نگاهی به بعضی از کشورهای همسایه یا مروری به وضع اجتماعی کشورمان، در

دوران پهلوی، نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌های غربی به‌سهولت جانشین ارزش‌های اصیل اسلامی می‌شود.

ج) تثبیت فرهنگ بیگانه

به کار گماردن افراد وابسته، تأسیس نهادها و تأسیسات گوناگون بین‌المللی و ملی و در رأس آن‌ها روی کار آمدن دولت‌های وابسته در این مرحله صورت می‌گیرد. بنابراین، مؤسسات فرهنگی بین‌المللی مانند سپاه صلح، باشگاه‌های لاینز، و روتاری را باید با دید سیاست تثبیت فرهنگی ارزیابی کرد. در سطح ملی نیز اقداماتی نظیر تأسیس مدارس به سبک غربی، رواج بی‌حجابی، و آداب و رسوم غربی و اقدام‌هایی مشابه تحت عناوینی چون اصلاحات، مدرنیسم، و نوسازی و... با حمایت و قدرت دولت وابسته از این گونه هستند؛ مانند شیوه‌ای که در زمان حکومت رضاخان و پسرش، محمدرضاشاه، دقیقاً در پیش گرفته شد. استعمار می‌خواهد فرهنگ را، که عامل مقاومت در برابر سلطه بیگانه است، از حالت پویا به حالت ایستا درآورد. در این صورت برای مقاومت و مبارزه در برابر این سلطه، ملت‌های زیرسلطه متوجه ریشه خویش می‌شوند؛ یعنی از همان جایی شروع می‌کنند که استعمار آن را ویران کرده و این مبارزه‌ای است که از فرهنگ جامعه آغاز می‌شود (علی‌محمدی، 1373: 119 و 123 و 129).

با توجه به این خصوصیات و با نگرشی تاریخی باید خاطر نشان ساخت که تهاجم فرهنگی استمرار فرایند سلطه و از موانع جدی در عرصه گفت‌وگوی تمدن‌هاست.

تفاهم فرهنگ‌ها نقطه عطف گفت‌وگوی تمدنی

تفاهم فرهنگ‌ها زبان مشترک گفت‌وگوی تمدن‌هاست. فرایند تفاهم فرهنگی همچون تهاجم فرهنگی در بستری فرهنگی تحقق می‌پذیرد. لازم است به فرهنگ‌ها و ماهیت ذاتی آن توجه کرد تا از میان خصوصیات و ویژگی‌های درونی فرهنگ،

زمینه‌های مثبت و کارآمد آن را شناسایی و عرضه کرد. مطالعه درباره فرهنگ و مطالعه درباره همزیستی فرهنگ‌ها بر پایه دو فرض قرار دارد:

1. فرهنگ‌ها یا فرهنگ - تمدن‌ها کارایی درونی دارند، یعنی فرهنگ‌ها خصوصیت رشدیابندگی دارند و می‌توانند به حیات خود ادامه دهند.

2. همگام با کارایی درونی، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها کارایی بیرونی هم دارند. کارایی بیرونی فرهنگ‌ها، قوی‌ترین محرک تاریخ‌ساز است که به صورت تبادل یا تعارض تجلی می‌یابد.

توجه به کارکردهای درونی و بیرونی فرهنگ است که بستر صلح و تفاهم یا جنگ و رویارویی ملت‌ها خواهد بود. هرگونه تنش و تضاد منوط به نمایش چهره درونی و بیرونی فرهنگ‌هاست. اگر کارکرد فرهنگ مثبت و سازنده باشد به گفت‌وگو و تفاهم خواهد انجامید. آنچه امروزه در روابط بین‌فرهنگی ملت‌ها وجود دارد جلوه‌ای است از بیان واقعیات کارکردهای بیرونی فرهنگ‌ها که بر اساس آن می‌توان به قضاوت منطقی درباره امکان تحقق تفاهم و تعامل تمدن‌ها نشست.

مهم‌ترین اصل در برقراری شرایط مساعد برای گفت‌وگوی بین تمدن‌ها تثبیت ویژگی‌هایی است که از لوازم گفت‌وگو محسوب می‌شود و نبود آن‌ها شرایط رشد تهاجم فرهنگی را فراهم می‌کند. گفتنی است در نظام سلطه در جهان عملاً امکان تحقق این دسته از لوازم گفت‌وگو مقدور نیست و نوعی تنش فرهنگی و جدال برای کسب تفوق و برتری فرهنگی از سوی قدرت‌های غربی، خصوصاً آمریکا، در گوشه‌وکنار جهان به چشم می‌خورد که از موانع عمده تعامل فرهنگی است.

ماکس وبر شش شرط اساسی را برای گفت‌وگوی تمدن‌ها و روابط متقابل آن‌ها ذکر می‌کند که براساس کارکرد مثبت درونی فرهنگ‌ها تحقق می‌یابد (نیمروزی، 1377: 23).

1. محور قراردادن خداوند در همه امور و گفت‌وگوی تمدن‌ها،

2. محور قرار دادن «شرافت و کرامت انسانی» و ارزش گذاشتن به انسان‌ها

صرف نظر از نژاد و

3. محور قرارداد «تعقل گرایی» در گفت‌وگوی تمدن‌ها،

4. گرایش به جهان‌گرایی اخلاقی و اخلاق‌گرایی جهانی،

5. احترام به ادیان الهی و فرهنگ‌ها و سنت‌های اصیل بشری،

6. ناباوری به رجحان و برتری تمدنی بر تمدن دیگر.

بر این اساس، تفاهم فرهنگ‌ها به عنوان نقطه شروع گفت‌وگوی تمدنی باید بر اصول و موازینی متمرکز باشد.

- گفت‌وگو باید بر اساس برابری و همسانی ملت‌ها تحقق یابد نه بر اساس تبعیض و نابرابری. باید همه فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون امکان برابری در پویش‌های گفت‌مانی را داشته باشند. هیچ تمدنی نباید به هر دلیلی در عرصه گفت‌وگوی تمدن‌ها نادیده گرفته شود.

- در عرصه گفت‌وگوی تمدن‌ها، فرهنگ‌ها، که بسیار متنوع و متکثر هستند، امکان مشارکت دارند و مبنای همکاری و همیاری میان فرهنگ‌های متنوع اساس و پایه گفت‌وگو محسوب می‌شود (یونسکو، 1377: 154).

- آنچه که تفاهم فرهنگ‌ها را میسر می‌سازد و از لوازم گفت‌وگوی تمدن‌هاست برقراری تفاهم مشترک و دوستی و همبستگی بین فرهنگ‌های متنوع است. در روند شکل‌گیری تفاهم، ساختن پل‌های اعتماد بین ملت‌ها و دولت‌ها در عرصه بین‌المللی ضروری است. شرکت‌کنندگان باید همدلانه قادر به تحمل ادعاهای یکدیگر باشند و آزادانه منظور و اهداف خود را توضیح دهند.

- تفاهم فرهنگ‌ها مبتنی بر شفافیت در امر همکاری و سازندگی از راه گفت‌وگو و تعامل فرهنگی است. مبنای چنین گفت‌وگویی چون بر این اصل قرار دارد که برای همه طرف‌های گفت‌وگو مفید باشد، با حرکتی منظم، منسجم و برنامه‌ریزی‌شده ممکن است. چنین گفت‌وگویی بدیهی است که مبتنی بر عقل و نقد و رعایت مصالح و منافع طرفین

و شئون اخلاقی باشد. فرهنگ‌دوستان، اهل اندیشه و خرد، و صاحب‌نظران در عرصه تبادل و گفت‌وگو سردمداران تفاهم فرهنگ‌ها هستند برخلاف خصیصه تهاجم که از راه خشونت‌ورزی و جنگ‌طلبی عملی است.

- باید توجه داشت که استراتژی کلان صلح جهانی و تحقق عدالت پایدار در عرصه بین‌الملل تنها از راه تفاهم فرهنگ‌ها میسر است. تمدن‌ها در سایه این استراتژی عمیق‌تر و غنی‌تر شده و در مسیر باروری هر چه بیشتر گام برمی‌دارند.

- جامعه کنونی بشری نیاز به نظمی فرهنگی دارد که از مفهوم صرف ارتباط و اطلاعات فراتر رود. اکنون فرهنگ حاکم بر دنیا و تفکری که ادعای سروری جهان را دارد در نزد بیشتر ملت‌ها و فرهنگ‌ها بیگانه بوده و پاسخگوی نیاز واقعی آنان نیست. اکولوژی فرهنگی مسلط در نظام فعلی جهانی، که از راه شبکه‌های قوی ارتباطی و فناوری برتر اطلاعاتی سلطه خود را اعمال می‌کند، در پی آن است که مرکزیت آمریکا و معدودی از قدرت‌های اروپایی را در عرصه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و نظامی حفظ کند. پیامد این استراتژی، نابرابری در نظام‌های فرهنگی جهان سوم و کشورهای اسلامی و تقسیم‌بندی شمال و جنوب است. امروزه آمریکا و حامیان وی در اوج قدرت‌طلبی فرهنگی بر جهان، یکه‌تاز عرصه‌های جهانی بوده و ادعای آقایی جهان و هدایت جامعه بشری را دارند¹ (فونتن، 1371: 231). نظم نوین جهانی نظم دلخواه و موقعیت آرمانی دنیا در جهت منافع آمریکاست.

نخستین بار جورج بوش، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، در 11 سپتامبر 1990، کمی بعد از آغاز بحران خلیج فارس، در نشست مشترک نمایندگان در مجلس آمریکا از «نظم نوین جهانی» این‌گونه سخن گفت:

1. رونالد ریگان رئیس‌جمهور اسبق آمریکا می‌گوید:

«من همیشه اعتقاد داشته‌ام که این قاره یک مکان استثنایی است که یک سرنوشت استثنایی دارد. من معتقدم که سرنوشت ما این است که چراغ راهنمای امید بشریت باشیم.»

تهاجم یا تبادل فرهنگی v 29

«تاکنون در حدود یک‌صد نسل برای تأمین صلح مبارزه کرده‌اند... و امروزه این «جهان نو» برای پیدایش خود مبارزه می‌کند» (همان: 236).

بنابراین، امروزه گرچه روند تحولات بین‌المللی به گونه‌ای است که کشورها به‌ناچار به گفت‌وگو به عنوان روشی برای حل مسائل خود توجه کرده‌اند اما ضعف‌ها و چالش‌های جدی در عرصه گفت‌وگو وجود دارد و مشخص می‌سازد که گفت‌وگو نگرش خوش‌بینانه‌ای است بر عقل‌گرایی متمرکز.

برخی واقعیت‌های جهان معاصر تا حدود زیادی مغایر با نظریه آرمانی مفاهیم تمدنی است. امروزه، در راستای چنین سیاستی، آمریکا و دنیای غرب حفظ منافع ملی در خارج از مرزهای سرزمین در اولویت روابط با دولت‌ها قرار دارد. سیاست خارجی آمریکا در جهان مبتنی بر تئوری ساموئل هانتینگتون که ترغیب به سیاست تهاجم فرهنگی است اجرا می‌شود و در عین حال طرح مفاهیم تمدنی را که در سازمان ملل متحد به اندیشه‌های جهانی تبدیل شده است در گردابی از گفت‌وگوی بی‌حاصل گرفتار می‌سازد. دخالت‌های نظامی - فرهنگی آمریکا در دیگر کشورها و ترغیب و تشویق ناتو به تقویت عنصر نظامی‌گری در جهان و برخورد غیرمسئولانه با مسلمانان و تمدن اسلامی در جهان مانند حمایت از مخالفان بوسنی و هرزگوین و پدید آمدن جو تشنج و تفرقه میان مسلمانان از جمله افغانستان و تحریکات نظامی مسلمانان علیه یکدیگر مانند حمایت از عراق در حمله به ایران همه در اجرای طرح ساموئل هانتینگتون تفسیر می‌شود.

حضور نظامی آمریکا در حوزه جغرافیای تمدن اسلامی، که منطقه را به انبار و آزمایشگاه تجهیزات نظامی این کشور مبدل ساخته است، در راستای اجرا و تقویت نظریه‌های برخورد تمدنی است که در قالب تفوق فرهنگی و رویارویی با تمدن اسلام مطرح شده است.

امروزه غرب بر عنصر سازش‌ناپذیری و خصومت دیرینه با تمدن اسلام بر مبنای

نظریه هانتینگتون تأکید دارد و آن را امری ذاتی دانسته و تلاش می‌کند تا اسلام را جایگزین کمونیسم گرداند. جریان‌های سیاسی هدفدار محافل صهیونیستی غرب نیز بر این امر اصرار می‌ورزند و بدیهی است حرکت در چنین چارچوب سیاست خارجی، عملاً منجر به تقویت پدیده تهاجم فرهنگی و اصول و معیارهای تهاجم می‌شود.

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، ملت‌ها پیوسته در مسائلی چون علم و دانش، معارف دینی، اخلاق، زبان، و آداب و سنن زندگی به تبادل فرهنگی پرداخته‌اند و این مسئله، همواره مهم‌تر از مبادلات اقتصادی و دادوستد کالا میان ملت‌ها بوده است. در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و تکامل فرهنگ‌های ملی کشورهاست که در سایه آن ملت‌ها خصوصیات برجسته و مثبت، نظیر نظم و انضباط، وقت‌شناسی، ادب و احترام، وجدان کاری، روحیه سخت‌کوشی و شجاعت و نیز کنجکاوی در مسائل علمی را از یکدیگر فرا می‌گیرند و این مسئله روندی ضروری برای حیات فرهنگی در سراسر جهان است، اما گاه مشاهده می‌شود مجموعه‌ای از کشورها با تکیه بر قدرتی که دارند با تدارک مجموعه‌ای از برنامه‌ها و فعالیت‌های سیاسی یا اقتصادی و با هدف هجمه به بنیان‌های فرهنگی یک ملت برای دستیابی به مقاصد شوم سیاسی و به منظور ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی از طریق فراگیر کردن بی‌قیدوبندی فرهنگی، هرزگی اخلاقی، و فروپاشی ارزشی هستند، بنابراین باید اذعان داشت که شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل، همواره بستر فرهنگی مناسب برای تفاهم و تعامل فرهنگ‌ها نیست و شرایط باید آن‌گونه باشد که مصالح و منافع همه ملت‌ها و تمدن‌های جهانی به صورت استراتژی کلان جهانی مطمح نظر دولت‌ها قرار گیرد و همه ملت‌ها و دولت‌ها ملزم به رعایت پاره‌ای اصول انسانی و قوانین و مقررات بشردوستانه باشند. اگرچه می‌توان به وجود زمینه‌های نسبتاً امیدوارکننده در عرصه جهانی و احساس نیاز به ضرورت گفت‌وگو و

تهاجم یا تبادل فرهنگی v 31

تفاهم از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران و خردمندان امیدوار بود، اما این مهم به دنبال محو زمینه‌های تهاجم و برتری‌طلبی‌های فرهنگی میسر است. نخستین گام در مسیر تحقق گفت‌وگوی تمدنی که امروزه جهان به عنوان یک ضرورت بدان تمایل دارد، یک اقدام جهانی علیه نگرش‌های تفوق‌طلبانه و نژادپرستانه فرهنگی است. پیشنهاد گفت‌وگوی تمدنی از سوی ایران اگر چه مبتنی بر واقعیت‌های سیاسی – اجتماعی جهان پس از جنگ سرد و نیز فراخوان جوامع به سوی تحمل‌پذیری و همکاری و طرد خشونت و دشمنی است، اما تحقق چنین هدف آرمانی نیازمند راهکارهای مناسبی است که در این مقاله گفته شد.

در جامعه بین‌الملل نیز طبعاً باورهای اساسی نسبت به رعایت اصول تبادل و تفاهم در حوزه گفت‌وگوی تمدنی باید مورد امعان نظر قدرت‌های غربی قرار گیرد و ترسیم آن‌ها به عنوان منشور بین‌المللی در عرصه گفت‌وگو لحاظ شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- تاریخ تمدن و فرهنگ، مجید یکتائی.
- تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش، یونسکو، ترجمه محمدعلی پیشین.
- توین بی، آرنولد، 1365. **تحقیقی در باب تاریخ**، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران: توس.
- _____، 1366. **تاریخ تمدن**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولى.
- روح الامین، محمود، 1368. **زمینه فرهنگ شناسی**، تهران: عطار.
- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، 70/9/20.
- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و رؤسای مناطق آموزش و پرورش. (71/5/21).
- علی محمدی، محمدحسین، 1373. **تحلیلی مقدماتی بر تهاجم فرهنگی**، مجموعه مقالات **راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی**، تهران: دانشگاه آزاد واحد رودهن.
- فونتین، آندره، 1371. **یکی بدون دیگری**، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: فاخته.
- کاظمی، علی اصغر، «نظریه مبادله ارزش مازاد فرهنگی در گفت‌وگوی میان تمدن‌ها»، مجموعه مقالات **چیستی گفت‌وگوی تمدن‌ها**، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- کزازی، میرجلال‌الدین، سه‌شنبه 27 بهمن 1371. «راز ماندگاری فرهنگ»، همشهری، **گفت‌وگویی درباره فرهنگ**
- لعل‌نهر و جواهر، 1366. **نگاهی به تاریخ جهان**، ترجمه محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر.

تهاجم یا تبادل فرهنگی v 33

- معین، محمد، 1360. فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- نیمروزی، رسول، 1377. «کنکاشی در باب مقوله: گفت‌وگوی تمدن‌ها و روابط متقابل آن‌ها»، مجموعه مقالات چستی گفت‌وگوی تمدن‌ها، سازمان مدارک انقلاب اسلامی.

- Badie B., Les Deux Etats, 1986. Paris: Fayard





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی